

**نویسنده:** پروروفیسور سوناندا شرما (Prof. Sunanda Sharma).  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2022-09-30».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## استراتژی گاندی: ترکیب حقیقت، ایثار، عدم خشونت و همبستگی

### **Gandhian Strategy: Combination of Truth, Sacrifice, Non-Violence and Solidarity**

**مانترای انحصاری برای حل مشکلات در زمینه مدرن**

**The Exclusive Mantra for Solving Problems in Modern  
Context**



**مها تما گاندی مبتکر اندیشه عدم تشدد**

این مقاله بار اول به نسبت یاد و بود این مرد مدبر به نشر رسیده بود: اولین بار در  
14 نوامبر 2017 منتشر شد. در یادبود: هفتاد و سومین سالگرد ترور مهاتما گاندی در  
30 ژانویه 1948

\*\*\*\*\*

استراتژی گاندی ترکیبی از حقیقت، فداکاری، خشونت پرهیز از خدمت، خدمت فداکارانه و همکاری  
است. از نظر گاندی با ید شجاع بود نه ترسو و با ید نظرات، پیشنهادات و افکار خود را بدون خشونت

ارائه کرد. باید با سلاح های حقیقت و خشونت پرهیز به جنگ پرداخت. یا از جنگیدن اجتناب کرد **گاندی** گفت: هیچ خدایی بالاتر از حقیقت نیست. بر اساس افکار او، خشونت پرهیزی راه حل نهایی هر نوع مشکلی در جهان است.

درساروی کونوی، **ساتیاگراها** [سیاست مقاومت سیاسی منفعلانه، به ویژه آن سیاستی که **مهاتما گاندی** علیه حکومت بریتانیا در هند از آن حمایت می کرد. .. **تفصیل توسط این قلم**] بیش از یک ابزار سیاسی مقاومت است. این رویکردی کل نگر به زندگی است که مبتنی بر آرمان های حقیقت و شجاعت اخلاقی است. شباهت های **ساتیاگراها** با برخی از بزرگترین اصول فلسفی و مذهبی جهان مشاهده شده و در مورد آن بسیار نوشته شده است. سیستم **ساتیاگراها گاندی** مبتنی بر عدم خشونت، عدم همکاری، حقیقت و صداقت بود. **گاندی** از خشونت پرهیزی در مبارزات آزادی هند به عنوان سلاح اصلی استفاده کرد و هند از حکومت بریتانیا مستقل شد.

در زمان حاضر، چند نمونه زنده وجود دارد که موفقیت مقاومت بدون خشونت را با استفاده از استراتژی گاندی نشان می دهد. **مهاتما گاندی** مخالف هرگونه استثمار و بی عدالتی بود. به گفته وی به هر قیمتی باید با بدی ها مقابله کرد. اما او اصرار داشت که سلاح ها باید غیرخشونت آمیز و اخلاقی باشند. اتخاذ روش مسالمت آمیز، انسان را برتری داد و دشمن را در تنگنا قرار داد، اما شرط آن این است که با حریف با احترام و محبت متقابل برخورد شود. **گاندی** معتقد بود که تنها از طریق عشق می توان دشمن را برای همیشه به دست آورد.

## مقدمه

**مهندس کارامچاند گاندی** «مرد هزاره» بود که درس حقیقت، عدم خشونت و صلح را می دهد. فلسفه و ایدئولوژی امروز هم مطرح است. فلسفه **گاندی** مبتنی بر حقیقت، فداکاری، خدمت و همکاری ایثارگرانه بدون خشونت بود. در دوران مدرن، روش های کنش غیرخشونت آمیز ابزار قدرتمندی برای اعتراض اجتماعی بوده است. به گفته **گاندی** باید شجاع بود نه ترسو. او با دید نظرات، پیشنهادات و افکار خود را بدون خشونت ارائه کند. باید با سلاح های حقیقت و خشونت از جنگ پرهیز نمود. **گاندی** گفت: هیچ خدایی بالاتر از حقیقت نیست. بر اساس افکار گاندی، عدم خشونت راه حل نهایی هر نوع مشکل در جهان است. **گاندی** مجردی بود که با ترغیب هموطنان خود به گام برداشتن در مسیر خشونت پرهیزی، با سلاح های حقیقت و عدم خشونت علیه انگلیسی ها جنگید. **گاندی** یک مبارزه غیرخشونت آمیز چندین دهه علیه حکومت بریتانیا در هند را رهبری می کرد که در نهایت به هند کمک کرد، استقلال خود را در سال 1947 به دست آورد. با تلاش گاندی، هند مستقل شد. **گاندی** فعالیت های خشونت پرهیزی مانند جنبش ترک هند و جنبش غیرعملیاتی را آغاز کرد. **گاندی** هرگز نمی توانست کاری را که به تنهایی انجام می داد انجام دهد - اما با توانایی خود در شناسایی یک بذر در اینجا، یک بذر در آنجا و پرورش آن، او توانست جنگلی از تغییرات انسانی را ایجاد کند. او فهمید که رهبر بودن کافی نیست، بلکه ایجاد رهبران کافی است.

**گاندی** به بیانی کاملاً ساده و روشن، مشتمل بر ایده هایی است که **مهاتما گاندی** در برابر جهان بشری مطرح کرده است. در کنار آن، **مهاتما گاندی** تا حد ممکن با زندگی فردی خود مطابق با این عقاید رفتار کرد. واضح است که **گاندیسم** آمیزه ای از مفاهیم و اعمال **گاندی** است. من صرفاً نظریه او را گاندیسم نمی دانم. کشتی زمینی اساسی **گاندیسم** اتفاقاً خشونت پرهیزی است. خشونت پرهیز از کهن ترین ارزش های ابدی است. این خشونت پرهیز از کهن ترین تمدن و فرهنگ هند است. **مهاتما گاندی** در همین رابطه در حالی که مفاهیم و اعمال خود را مبتنی بر خشونت پرهیزی می کرد، گفت:

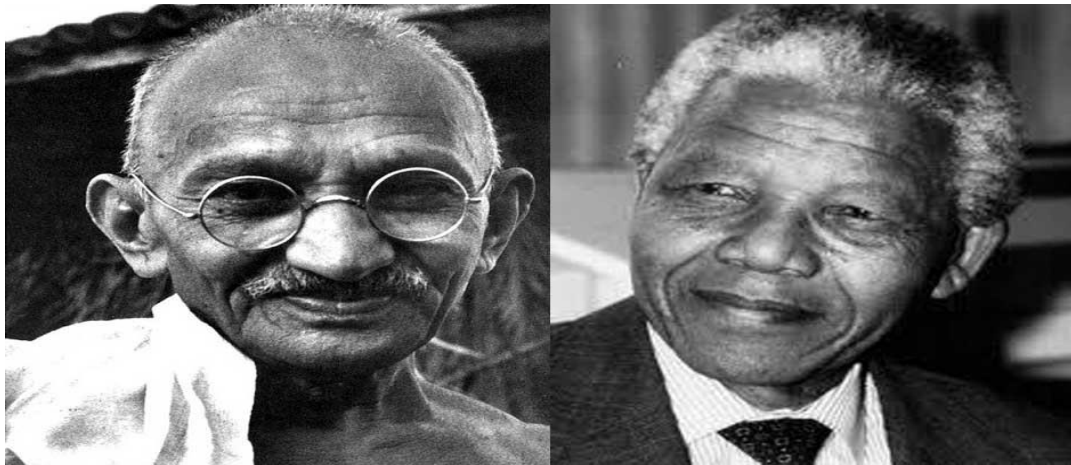
«من چیز جدیدی ندارم که به شما بیاموزم... حقیقت و عدم خشونت به قدمت تپه است». همانطور که می‌دانیم خشونت پرهیزی و حقیقت‌دو روی یک سکه هستند. پس از شناخت گاندیسم، برای ما ضروری است که مفهوم خشونت پرهیزی را به وضوح بدانیم، زیرا زمینه را برای گاندیسم فراهم می‌کند. اهمیت گاندی در سناریوی جهان سیاسی دوجذنان است. **اولاً**، او خشونت پرهیزی را به عنوان یک ابزار سیاسی قدرتمند و **ثانیاً** تجلی یک هدف معنوی بالاتر، اوج صلح جهانی، بازی کرد. از نظر گاندی، وسایل به اندازه هدف مهم بودند و تنها یک وسیله می‌توانست وجود داشته باشد: عدم خشونت.

از آنجایی که وضعیتی در مقابل خشونت، خشونت پرهیزی است، می‌توان قاطعانه گفت: «عدم خشونت مطلق عبارت است از آسیب نرساندن به عقل، گفتار یا کردار دیگران به واسطه فکر، گفتار یا کردار خود و محروم نکردن کسی از زندگی». مهاتما گاندی کاملاً با اشتقاق خشونت پرهیزی که در بالا ذکر شد موافق است. خود او گفته است: «عدم خشونت، آن طور که عموماً گفته می‌شود، امر مشخصی نیست. بدون شک، پرهیز از آسیب رساندن به برخی موجودات زنده جزئی از خشونت پرهیزی است، اما تنها زره ای به هویت آن مربوط می‌شود. اصل عدم خشونت با هر فکر شیطانی، گفتار نادرست، نفرت یا آرزوی بدی برای کسی در هم می‌شکند. همچنین با داشتن چیزهای ضروری دنیوی متلاشی می‌شود.» در این زنجیره، **مهاتما گاندی** در نسخه ای از *Young India* توضیح می‌دهد: «...آزار دادن به کسی، فکر کردن بدی به کسی یا ربودن زندگی اش در زیر خشم یا خودخواهی، خشونت است. در مقابل، خالص‌ترین خشونت پرهیز از گرایش و پیش‌فرض به سوی منفعت روحی یا جسمی برای هر کس بدون خودخواهی و با فکر خالص پس از مشورت‌های سرد و روشن است... معیار نهایی خشونت یا خشونت پرهیز از روحیه عمل است. نمونه‌های زیادی از کاربرد آنها مانند مقاومت، مقاومت بدون خشونت و انقلاب مدنی وجود دارد. **مهاتما گاندی** در تمام زندگی خود مجبور به مبارزه بود، اما او هرگز ناامید نشد، او به ایمان ذاتی خود به خشونت پرهیزی و اعتقاد خود به روش‌های **ساتیاگراها** ادامه داد. اهمیت *Satyagraha* به زودی در سراسر جهان پذیرفته شد. **مارتین لوتر کینگ** روش‌های **ساتیاگراها** را در مبارزه با تبعیض نژادی مقامات آمریکایی در سال 1950 اتخاذ کرد. امروزه **گاندیسم** در این توافق بسیار متناوب است. قابل توجه است. ما باید اهمیت **گاندیسم** را در حین تحلیل آن درک کنیم.

در حال حاضر بخش بزرگی از جهان تحت سیستم حکومتی دموکراتیک قرار دارد. از نظر تئوری، این سیستم تا به امروز بهترین است. این یک حقیقت است. این بهترین است زیرا مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم در هر سطحی با آن در ارتباط هستند. نه تنها این، بلکه همین سیستم است که حداکثر فرصت‌های پیشرفت و توسعه عمومی را فراهم می‌کند. مردم خودشان می‌توانند در این سیستم نحوه رفاه خود را تعیین کنند. با این حال، اگر چه از نظر تئوریک بهترین سیستم حکومتی است، اما اگر ملت‌های دموکراتیک را بررسی کنیم، اول از همه متوجه می‌شویم که توسعه نابرابر شهروندان وجود دارد. متعاقباً متوجه می‌شویم که این کشورها کم و بیش قربانی منطقه‌گرایی شده‌اند. آنها در ارتباط با زبان مشکل دارند. آنها در چنگال تروریسم و کمونالیسم هستند. همچنین مشکل نفی حقوق بشر در این ملت‌ها وجود دارد. مشکلات واضح دیگری نیز وجود دارد که در بالا به آنها اشاره شد و تا زمانی که این مشکلات وجود داشته باشند، صلح بسیار دور است. همه شهروندان باید از توسعه یکسان برخوردار باشند و باید هماهنگی مشترکی داشته باشند تا همه شهروندان به صورت جمعی و متحد در حال پیشرفت باشند. اما، در واقعیت، اینطور نیست. ضروری است که ملت‌های دارای نظام حکومتی دموکراتیک از مشکلات فوق‌الذکر رهایی داشته باشند، باید بتوانند توسعه برابر

همه شهروندان خود را تضمین کنند و شهروندان ذی ربط با ید در مسیر پیشرفت به شکلی یکپارچه همراه با مشارکت در مسیر پیشرفت صلح جهانی حرکت کنند..

**گاندی** به جهانی خسته از جنگ و ویرانی مداوم نشان داد که پابندی به حقیقت و عدم خشونت تنها برای افراد نیست، بلکه می تواند در امور جهانی نیز به کار رود. چشم انداز **گاندی** برای کشور و رویاهای او برای جامعه به طور کلی هنوز برای **هند** خوب است. او جامعه را وادار کرد تا ارزشهای واقعی انسانیت را جذب و منعکس کند و در کارهایی شرکت کند که خیر بزرگتر را ترویج می کند. این مسائل هنوز به آنچه هند آزاد است و نماینده آن است مربوط می شود. علت اصلی نگرانی امروز عدم تحمل و نفرت است که منجر به خشونت می شود و اینجا است که ارزش های **گاندی** باید با اشتیاق بیشتری رعایت شود.



## گاندی و نلسون ماندلا

### ستراتژی گاندی

استراتژی **گاندی** عمدتاً شامل موارد زیر است:

1. ساتیاگراها
2. حقیقت و صداقت
3. عدم خشونت
4. همکاری
5. صلح و عشق

### ساتیاگراها رویکردی جامع به زندگی، مبتنی بر آرمان های حقیقت و شجاعت اخلاقی.

هدف ساتیاگراها به دست آوردن قلب مردم است و این تنها با صبر و شکیبایی فوق العاده قابل دستیابی است. «ساتیاگراها بیش از یک ابزار سیاسی مقاومت است. شباهت های ساتیاگراها با برخی از بزرگترین اصول فلسفی و مذهبی جهان مشاهده شده و در مورد آن بسیار نوشته شده است. با این حال، در زمینه خاص هند، ساتیاگراها نفوذ بسیار زیادی داشت. این راه درازی در القای وقار در میان **هندی ها** برای سخت کوشی و احترام متقابل انجام داد. در جامعه سنتی **هند** که به دلیل تبعیض های طبقاتی و اعتقادی از هم پاشیده شده بود، ساتیاگراها اظهار داشت که هیچ کاری حقیر نیست. این کشور از سکولاریسم دفاع کرد و راه طولانی را در ریشه کن کردن دست نخوردگی از قلب جامعه معمولاً طبقه بندی شده هند طی کرد. ساتیاگراها نقش زنان را به

عنوان عضوی مهم در جامعه تجلیل کرد. در مجموع، ساتیاگراها در ذهن **هندی** عزت و احترامی ایجاد کرد که هنوز در تاریخ مدرن آن بی‌سابقه است

سیستم ساتیاگراها **گاندی** مبتنی بر عدم خشونت، عدم همکاری، حقیقت و صداقت بود. **گاندی** از خشونت پرهیزی در مبارزات آزادی **هند** به عنوان سلاح اصلی استفاده کرد و **هند** از حکومت بریتانیا مستقل شد.

### -حقیقت - قدرتمندترین سلاح

گاندیسیم بیشتر به روح سفر **گاندی** برای کشف حقیقت می پردازد تا چیزی که او در نهایت آن را حقیقت می دانست. این اساس آموزه‌های **گاندی** و روح کل زندگی اوست که شخص خود را بررسی کند و بفهمد و هیچ کس یا هیچ ایدئولوژی را بدیهی نپذیرد. **گاندی** گفت: "حقیقت بسیار قوی تر از هر سلاح کشتار جمعی است." حقیقت یا «ساتیا» اصل حاکمیتی زندگی **مهاتما گاندی** بود. زندگی **مهاتما** یک فتح ابدی برای کشف حقیقت بود و سفر او به این هدف با آزمایش هایی روی خودش و درس گرفتن از اشتباهاتش مشخص شد. نام خودزندگی نامه او به درستی «آزمایش های من با حقیقت» بود. **گاندی** اکیداً معتقد بود که مفهوم حقیقت فراتر و فراتر از همه ملاحظات دیگر است و شخص باید حقیقت را در طول زندگی خود بی‌وقفه در آغوش بگیرد.

**گاندی** واژه ساتیاگراها را که به معنای واقعی کلمه به «تلاش برای حقیقت» ترجمه می‌شود، پیشگام کرد. در زمینه جنبش آزادی هند، ساتیاگراها به معنای مقاومت در برابر ظلم بریتانیا از طریق اطاعت مدنی توده‌ای بود. اصول حقیقت یا **ساتیا** و عدم خشونت برای جنبش ساتیاگراها بسیار مهم بود و **گاندی** تضمین کرد که میلیون‌ها **هندی** که به دنبال پایان دادن به حکومت بریتانیا بودند به این اصول اساسی پایبند هستند.



### گاندی و مارتین لوتر کینگ جونیور

### -عدم خشونت ابدی است:-

استراتژی **گاندی** مجموعه ای از الهامات، اصول، باورها و فلسفه است. مبانی تئوری خشونت پرهیز **گاندی**، جینیسم و بودیسم، مهمترین تأثیرگذار بودند. جینیسم و بودیسم هر دو، عدم خشونت را به عنوان اصل اساسی هستی تبلیغ می‌کردند. **گاندی** همچنین تحت تأثیر باگواد گیتا با تأکید بر عدم وابستگی و کنش فداکارانه قرار گرفت، مسیحیت، همراه با ماساژ عشق و شفقت آن که حتی به دشمنان نیز گسترش یافت، تأثیر مهم دیگری بر زندگی **گاندی** بود. زندگی **گاندی** مبتنی بر حقیقت، صداقت و شجاعت اخلاقی بود.

**مهاتما گاندی** قهرمان ملی بزرگی بود که با حقیقت و بدون خشونت به ملت خدمت کرد. **گاندی** مخالف خشونت بود. او همیشه جنگ را به دلیل ماهیت خشونت آمیز آن دوست نداشت. به همین دلیل است که وقتی جنگ جهانی دوم در سال 1939 آغاز شد. او با موضع دولت بریتانیا در کشاندن هند به جنگ بدون مشورت با رهبران هند مخالفت کرد. **گاندی** طرفدار عدم خشونت بود. بنابراین با هرگونه همکاری در جنگ مخالف بود.

به گفته **گاندی** استفاده از خشونت پرهیز از خشم، خودخواهی، نفرت و دشمنی است. به گفته او، خشونت نمی تواند برای انسان ها مفید باشد. بنابراین، استراتژی **گاندی** برای مقابله با تروریسم شامل موارد زیر است:

یک عمل خشونت آمیز را در مسیر خود متوقف کنید. تلاش برای انجام این کار باید غیرخشونت آمیز اما نیرومند باشید. **گاندی** استدلال کرد که تمرکز صرفاً بر اعمال تروریستی مانند این است که در تلاش برای جلوگیری از گسترش نفرت نژادی نگران سلاح باشیم. **گاندی** فکر می کرد که رویکرد معقول مقابله با ایده ها و کاهش شرایطی است که در وهله اول مردم را به انجام چنین عملیات ناامید کننده ای برمی انگیزد.

همانطور که می دانیم، خشونت پرهیزی و حقیقت در کنار هم هستند. پس از شناخت گاندیسم، برای ما ضروری است که مفهوم خشونت پرهیزی را به وضوح بدانیم، زیرا زمینه را برای گاندیسم فراهم می کند.

از نظر **گاندی**، وسایل به اندازه هدف مهم بودند و تنها یک وسیله می توانست وجود داشته باشد، و آن عدم خشونت.

**خشونت پرهیزی چیست؟** به طور معمول، ما خشونت پرهیزی را به حکمی نسبت می دهیم که عدم قاپیدن زندگی هر کسی را تجویز می کند. در واقع، این اشتقاق کامل مربوط به مفهوم خشونت پرهیزی نیست. خشونت پرهیزی کاملاً مخالف خشونت است. به این ترتیب، بهتر است جایگاه مربوط به خشونت را بدانیم تا خشونت پرهیزی را بشناسیم و معنای آن را بدانیم. به گفته یک محقق چین:

هرگاه با عقاید، گفتار یا کردار خود با شرط غیر صمیمانه و یادگیری نابجا به موجود زنده دیگری صدمه بزنیم، چنین روح ناپاک یا عمل ویران کننده زندگی دیگری، اعم از تمایل، گفتار یا فرض ناپاک، پر از رذیله خشونت در نظر گرفته می شود. در چنین شرایطی، حتی اگر هیچ نوع خشونتی در خارج وجود نداشته باشد، ذاتاً خودبه خود یک گرایش خشونت باقی می ماند.» خشونت سه دسته است:

- وقتی به کسی ضربه می زنیم.
- وقتی اشتباه فکر می کنیم و نسبت به کسی احساس حسادت می کنیم.
- هنگامی که ما به طور پر خاشگروانه با کسی صحبت می کنیم و با آنها بدرفتاری می کنیم.

همه این دسته ها انرژی منفی در بدن انسان ایجاد می کنند. انرژی منفی بر بدن انسان تأثیرات نامطلوبی دارد. **گاندی** از خشونت انتقاد کرد. مجموعه ای از ایده ها و اصولی است که الهامات، بینش و کار زندگی **گاندی** را توصیف می کند. این امر به ویژه با مشارکت او در ایده و عمل مقاومت بدون خشونت، که گاهی اوقات مقاومت مدنی نیز نامیده می شود، مرتبط است. اصطلاح «گاندیسم» همچنین دربرگیرنده معنای ایده ها، سخنان و اعمال **گاندی** برای مردم سراسر جهان است و اینکه



چگونه آنها از آنها برای راهنمایی در ساختن آینده خود استفاده می کنند. **گانند بسم** در قلمرو فردی انسان، غیر سیاسی و غیر اجتماعی نیز نفوذ می کند. گاندی می تواند به معنای فردی باشد که پیرو آن است یا فلسفه خاصی که به **گانند بسم** نسبت داده می شود.

**مهاتما گاندی** در زمینه دائمی بودن خشونت پرهیزی می گوید: «... وقتی دورانی را که از ابتدا تا کنون مربوط به دوره ای است که شواهد تاریخی برای آن به دست می آوریم بررسی می کنیم، در می یابیم که انسان در نهایت مسیر عدم خشونت را طی کرده است.» به این ترتیب است که خشونت پرهیزی همراه با انسان به وجود آمد. «اگر از همان ابتدا با انسان نبود، ممکن بود انسان خود را به هلاکت برساند.» همانطور که مارتین لوتر کینگ جونیور گفت: «انتخاب بین خشونت و عدم خشونت نیست، بلکه بین عدم خشونت و عدم وجود است.»

اما چنین نبوده و نه تنها نوع بشر به این تعداد زیاد زنده است، بلکه با وجود موانع و مزاحمت های گوناگون، تدریجاً در توسعه و نزدیکی افزایش یافته است. این هرگز نمی توانست باشد، اما از آنجا که خشونت پرهیز از همیشگی است، این اتفاق افتاد.

**مهاتما گاندی** مخالف هرگونه استثمار و بی عدالتی بود. به گفته وی به هر قیمتی باید با بدی ها مقابله کرد. اما اصرار داشت که سلاح ها باید غیر خشونت آمیز و اخلاقی باشند. اتخاذ روش مسالمت آمیز، انسان را برتری بخشید و دشمن را در تنگنا قرار داد، اما شرط آن این است که با حریف با احترام و محبت متقابل برخورد شود. گاندی معتقد بود که تنها از طریق عشق می توان دشمن را برای همیشه به دست آورد.

خشونت پرهیزی منفعل نیست. فعال، خلاق، تحریک کننده و چالش برانگیز است. **گاندی** خشونت پرهیزی را «نیروی قدرتمندتر از مجموع همه سلاح های جهان» توصیف کرد. «عدم خشونت بزرگترین و فعال ترین نیرو در جهان است.» **گاندی می نویسد:** «این قوی تر از قوی ترین سلاح تخریب است که توسط نیوگ بشریت ابداع شده است. هنگامی که ما به روح خشونت پرهیز از خشونت دست می یابیم، مسری می شود و می تواند امپراتوری ها را سرنگون کند.» در رابطه با خشونت، دو گزینه در دنیا وجود دارد. این گزینه ها عبارتند از: **ما می جنگیم یا فرار می کنیم.**

عدم خشونت گزینه سوم را در اختیار ما قرار می دهد: مقاومت فعال خلاقانه و صلح آمیز در برابر بی عدالتی. خشونت پرهیزی یعنی ایستادن در برابر بی عدالتی تا زمانی که بی عدالتی به عدالت تبدیل شود. عدم خشونت به دیگران آسیبی نمی رساند و مستقیماً بر دیگران تأثیر منفی نمی گذارد، اما در داخل کار می کند. به جای کشتن دیگران، ما باید در مبارزه بدون خشونت برای عدالت و حقوق بشر اقدام کنیم. خشونت پرهیزی از قلب شروع می شود و سپس به خانواده ها، جوامع محلی، شهرها، ملت و جهان ما منتقل می شود.

**گاندی** فکر کرد، کسانی را که آن را پذیرفتند، تحقیر کرد. یک وضعیت خشونت آمیز که توسط مقامات دولتی اتخاذ می شود می تواند منجر به نظم مدنی مبتنی بر اجبار شود. به همین دلیل گاندی بر وسایلی که با اهداف اخلاقی کسانی که درگیر درگیری بودند، همخوانی داشت، اصرار داشت.



## گاندی و انیشتین

### - ارتباط استراتژی گاندی در زمینه مدرن

در دوران مدرن روش‌های کنش غیرخشونت‌آمیز ابزار قدرتمندی برای اعتراض اجتماعی بوده است. نمونه‌های زیادی از خشونت پرهیزی ما نند مقاومت مدنی، مقاومت بدون خشونت و انقلاب مدنی وجود دارد. در اینجا باید به جنبش‌هایی اشاره کرد که به ویژه تحت تأثیر فلسفه عدم خشونت قرار گرفته‌اند، از جمله **مها تما گاندی** که چندین دهه مبارزه بدون خشونت علیه حکومت بریتانیا در هند را رهبری کرد، که در نهایت به هند کمک کرد تا استقلال خود را در سال 1947 به دست آورد، **گاندی** مجبور شد برای آرمان‌هایش با جان خود بپردازد. ، اما او هرگز از ایمان ذاتی خود به خشونت پرهیزی و اعتقاد خود به روش‌های ساتیاگراها منحرف نشد. اهمیت Satyagraha به زودی در سراسر جهان پذیرفته شد. **مارتین لوتر کینگ** در سال 1950 در مبارزه با تبعیض نژادی مقامات آمریکایی از روش‌های ساتیاگراها استفاده کرد.

او رؤیای اخلاق و ارزش‌هایی را که در زندگی روزمره اعمال می‌شود، در سر می‌پروراند. اما بعد از گذشت بیش از نیم قرن از استقلال واقعا اینطور است؟ اما آیا ما باید **گاندی** و خشونت پرهیزی را تنها با آزمون موفقیت کوتاه مدت قضاوت کنیم؟ اگر درحقیقت نیروی درونی وجود دارد که می‌تواند ما را از زنجیر حکومت بریتانیا رها کند، پس چرا نمی‌تواند ما را از شر فساد رایج در همه جا خلاص کند؟ این اصول نیستند که بی‌ربط شده‌اند، بلکه طبیعت بی‌حوصله پیشرفت امروز است که «فساد» را تا این حد محبوب کرده است. خشونت قطعاً پاسخی برای مسائل داغ نیست. نیاز روز این است که نگرش خودخواهانه و بی‌اعتمادی متقابل را از بین ببریم. عدم خشونت در صورت تمرین می‌تواند نیروی خوبی باشد. اگر به پیام‌رسان شلیک کنیم، نمی‌توانیم پیشرفت کنیم. جایی برای حمایت در میان برابری وجود ندارد M. N. Roy، بنیانگذار اومانیزم رادیکال، می‌گوید: «وقتی یک انسان واقعاً خواهان آزادی و زندگی در یک جامعه دموکراتیک است، ممکن است نتواند تمام جهان را آزاد کند... اما می‌تواند تا حد زیادی حداقل با رفتار کردن به عنوان یک انسان، خود را آزاد کند. وجود عقلانی و اخلاقی، و اگر او بتواند این کار را بکند، اطرافیانش نیز می‌توانند همین کار را بکنند و اینها باز هم با الگوگیری آزادی را گسترش می‌دهند.» اگر هدف این باشد، پس گاندی بیش از هر زمان دیگری مرتبط است. در زمان حاضر، چند نمونه زنده وجود دارد که موفقیت مقاومت بدون خشونت را با استفاده از استراتژی گاندی نشان می‌دهد.

در **5 آوریل 2011**، یک مرد 73 ساله در مرکز دهلی دست از غذا خوردن کشید. مرد مورد بحث **کیسان بابرائو هزاره** بود و به تلاش‌های بی‌رویه دولت مرکزی تحت رهبری کنگره برای مجازات افرادی که به فساد در مقیاس بزرگ متهم بودند اعتراض می‌کرد. خواسته خاص او این بود که «جامعه مدنی» باید در تهیه یک قانون سختگیرانه ضد فساد، **لایحه لوکیپال**، نظر داشته باشد. او مدعی شد که پیش‌نویس دولت شستشوی چشم بود. مشارکت بیرونی تنها راه تضمین قانون مبارزه با



فساد بود. **هزاره، «آنا»** به پیروانش، به هیچ وجه تنها مردی نبود که در آنجا اعتصاب غذا کرده بود. اما او درگیر چیزی بود. در حالی که دولت در سیل رسوایی‌های فساد غرق می‌شد - که برجسته‌ترین آنها، بحث تخصیص طیف G 2 و شکست بازی‌های مشترک المنافع بود - اعتراض کاملاً به موقع **آنا هزاره** توانست بر موج سواری کند. انبوهی از فعالان مدنی، ستارگان سینما، و حا میان سرسخت طبقات متوسط شهری طرف او را گرفتند. اگرچه برآورد محبوبیت آن دشوار است، اما منصفانه است که بگوییم جنبش **آنا هزاره** فراتر از دهلی و بقیه مناطق شهری هند گسترش یافت، به همین دلیل حزب کنگره به زودی تسلیم شد. در 8 آوریل، دولت موافقت کرد که پنج عضو، به انتخاب **آنا هزاره**، بخشی از کمیته تدوین **لایحه لوکپال** باشند. نه روش‌های **آنا هزاره** و نه علت اصلی بودند. **گورو یوگا بابا رامد ف** قبلاً در مورد موضوع فساد روزه گرفته بود. او بلافاصله پس از پایان روزه **آنا هزاره** دوباره روزه گرفت. اقدام برای تصویب یک لایحه موثر مبارزه با فساد نیز ریشه قدیمی دارد. در خود دهه 1960، ایده **لوکپال** توسط اولین کمیسیون اصلاحات اداری پیشنهاد شد. حتی قبل از **روزه آنا هزاره، آرونا** روی و دیگر اعضای جامعه مدنی بودند **آنا هزاره** یکی از فعالان اجتماعی تحسین شده هند است. سرباز سابق ارتش هند، **آنا** به دلیل ارتقای محیط زیست و اقتصاد روستای Ralegan Siddhi که در منطقه مستعد خشکسالی Ahmednagar ایالت **ماهاراشترا** واقع شده است، به خوبی شناخته شده و مورد احترام است.

در دوازدهمین روز فوق‌العاده روزه مبارزه با فساد **آنا هزاره**، مجلس با لطفی خارق‌العاده پاسخ داد تا نشان دهد که برای احترام به اصرار یک جنگجوی صلیبی چه کاری می‌تواند انجام دهد. پس از بیش از هشت ساعت بحث پیرامون ساختار **لایحه لوکپال**، دولت و مخالفان در هر دو مجلس **لوکسبا** و **راجیا سبها** گرد هم آمدند تا به طور "اصولی" با سه خواسته اصلی که این فعال در نامه خود به نخست‌وزیر **مانموهان سینگ** مطرح کرده بود، موافقت کنند. به عنوان شرط پایان دادن به اعتراضش. دستاوردهای قبلی **Anna Hazare** که بر اساس حقیقت و **Satyagraha** است به شرح زیر است:

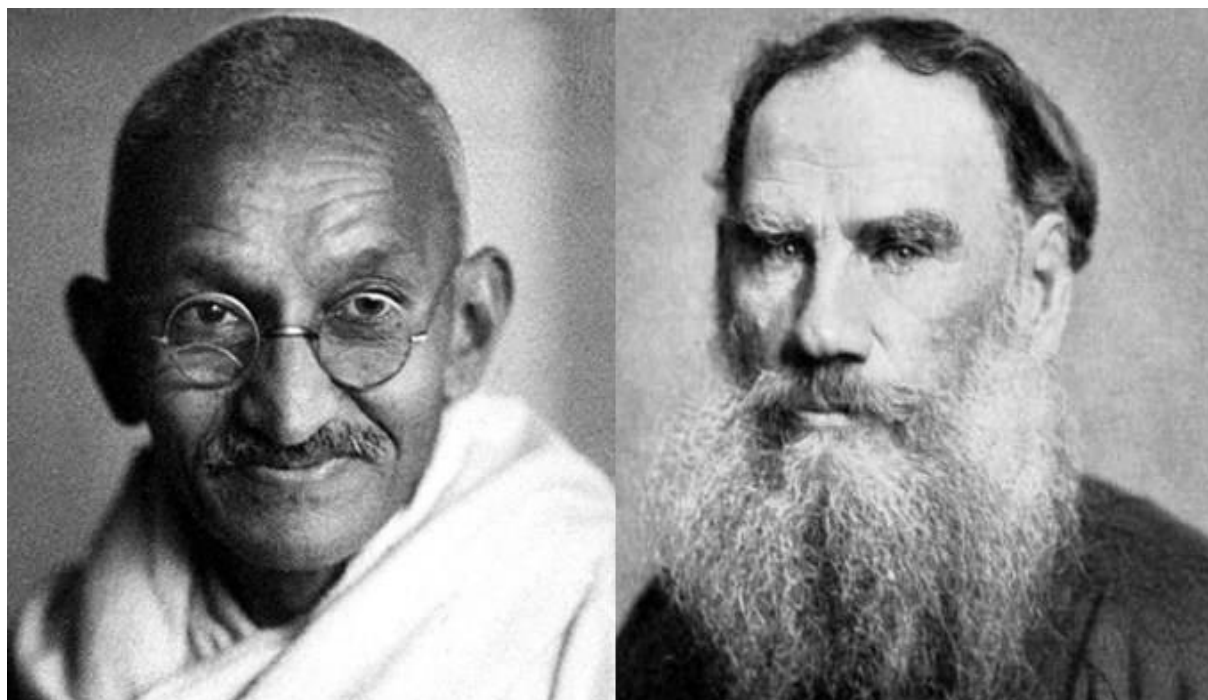
**روستای پایر** سابق به دلیل روش‌های موثر صرفه‌جویی در آب که روستاییان را به خودکفایی رساند، به یک الگوی منحصر به فرد توسعه روستایی تبدیل شده است. پیش از این، همان روستا شاهد اعتیاد به الکل، فقر مطلق و مهاجرت به محله‌های فقیرنشین شهری بود. دولت ایالتی با الهام از رویکرد منحصر به فرد **هزاره** برای نجات یک روستای ناامید، طرح "روستای نمونه" را به عنوان بخشی از استراتژی رسمی خود اجرا کرده است. **هزاره** اکنون مترادف با توسعه روستایی در هند است. پروژه توسعه روستایی یکپارچه به عنوان بخشی از جشن جوینی طلایی بهارات **چودو آندولان Adarsh Gaon Yojna** تحت ریاست وی - پروژه "مدل روستا" آغاز شد. توسعه حوزه آبخیز یکی از ابزارهای کلیدی است که به هدف کلی کاهش فقر از طریق توسعه پایدار کمک می‌کند.

مردم عادی در سختی‌های زیادی قرار می‌گیرند و به دلیل فساد، قیمت‌های کالاهای اساسی دائماً افزایش می‌یابند. **هزاره** معتقد است که آزادی ما به دلیل فساد در خطر است و تا زمانی که از بین نرود، کشور به معنای واقعی آن آزاد نخواهد بود. از این رو، جنگی مسالمت‌آمیز علیه فساد با کمک های بی‌حد و حصر مردم به راه افتاده است.

حق اطلاعات شامل حق شهروندان برای - بازرسی آثار، اسناد و سوابق، یادداشت برداری، استخراج یا رونوشت تایید شده از اسناد یا سوابق، گرفتن نمونه‌های تایید شده از مواد، به دست آوردن اطلاعات به صورت چاپ، دیسکت، فلاپی، نوار، ویدئو است. نوار کاست یا در هر حالت الکترونیکی

دیگر یا از طریق چاپ. شهروندان می‌توانند برای اطمینان از شفافیت موارد فوق را از تمام ادارات دولتی دریافت کنند. تنها کاری که آنها باید انجام دهند این است که به قانون حق دسترسی به اطلاعات (RTI) استناد کنند. ایالت ماهاراشترا به لطف رهبری الهام بخش **آنا هزاره** در فعالیت و استفاده از RTI پیشتاز است.

**گاندیگیری** چهره عمومی جنبش، **آنا هزاره**، خود را یک **گاندی** توصیف می‌کند. جنبش اجتماعی او که در Ralegaon Siddhi در روستایی ماهاراشترا متمرکز شده است، به مزرعه Phoenix گاندی و آشرام Sabarmati باز می‌گردد. بسیاری از مبارزات او، علیه الکلیسم یا غیرقابل لمس بودن، گاندی را بین اصلاحات اجتماعی و رهایی سیاسی پیوند می‌دهد. موعظه‌های او برای عدم خشونت با اصطلاحات مذهبی راحت است (پرتره ای از بهارات ماتا در حالی که او برای لایحه **جان لوکپال** روزه می‌گرفت، پشت سر او آویزان شده بود)، 14 و حرمت شخصی را به بخش مرکزی کمپین تبدیل می‌کند. با این حال، در حالی که جنبش ادعای اخلاقیات گاندی را دارد و روش‌های او را به کار می‌گیرد، دیدگاه سیاسی آن تا جایی که می‌تواند از خود **گاندی** دور با شد. از قضا، این همان چیزی است که آن را در قرن بیست و یکم **هند** موفق می‌کند. با درک این کنشگری **ننوگاندی**، «گاندیگیری» کلید درک جنبش **آنا هزاره** است. دو سازنده هند مدرن به سرعت از ایده **گاندی** درباره دولت فاصله گرفتند. همانطور که به خوبی شرح داده شده است، دیدگاه **جواهر لعل نهرو** از یک دولت مدرن، متمرکز و قدرتمند هندی که بتواند هم شکوفایی اقتصادی و هم عدالت اجتماعی را به ارمغان بیاورد، برای اتحاد جمهوری‌های روستایی **گاندی** مذموم بود. **گاندی**، منتقد اولیه مدرنیته، از خشونت و نامشروع بودن دولت سرخورده بود. **هند** مستقل دقیقاً گواهی بر انگیزه معکوس است: یک دولت متمرکز که پروژه‌های توسعه بزرگ را به نام خیر عمومی بزرگتر هدایت می‌کند.



## گاندی و تولستوی

## نتیجه

**گاندی** رویای دنیای جدیدی از خشونت پرهیز از یک محیط کلی صلح آمیز را در سر می‌پروراند. خشونت پرهیزی یک پدیده جهانی و اهمیت زیادی دارد. راه حل نهایی انواع مشکلات و درگیری‌ها

در جامعه، ملت و جهان است. با این حال، نتیجه آن بستگی به درک و کاربرد صحیح آن دارد. سناریوی کنونی خشونت و استثمار در سراسر جهان موضوع مهمی را مطرح کرده است. هر ملتی که از کمونالیسم، دیکتاتوری، فساد و بازی‌های قدرت رنج می‌برد، واقعاً باید به اعتقاد **گاندی** مبنی بر عدم خشونت و حقیقت به عنوان مأموریت خود بازگردد. با اتخاذ خشونت پرهیزی، تعارضات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی از بین خواهد رفت. بی‌تردید دکتترین اجتماعی عدم خشونت که از اندیشه‌های **گاندی** نشأت گرفته است، اکنون به کلیدی برای جعل و حفظ نظم اجتماعی و سیاسی جدید تبدیل شده است. امروزه نیاز به پذیرش فلسفه و ایدئولوژی **گاندی** در کل جهان برای رفع انواع مشکلات و ایجاد محیطی آرام است. **گاندی** گذشته نیست، آینده است. او نشانه اولیه آن چیزی است که ما می‌توانیم با شیم.

در حال حاضر بخش بزرگی از جهان تحت سیستم حکومتی دموکراتیک قرار دارد. از نظر تئوری، این سیستم تا به امروز بهترین است. این یک حقیقت است. این بهترین است زیرا مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم در هر سطحی با آن در ارتباط هستند. نه تنها این، بلکه همین سیستم است که حداکثر فرصت‌های پیشرفت و توسعه عمومی را فراهم می‌کند. مردم خودشان می‌توانند در این سیستم نحوه رفاه خود را تعیین کنند. با این حال، اگر چه از نظر تئوریک بهترین سیستم حکومتی است، اما اگر ملت‌های دموکراتیک را بررسی کنیم، اول از همه متوجه می‌شویم که توسعه نابرابر شهروندان وجود دارد. متعاقباً متوجه می‌شویم که این کشورها کم و بیش قربانی منطقه‌گرایی شده‌اند. آنها در ارتباط با زبان مشکل دارند. آنها در چنگال تروریسم و کمونالیسم هستند. همچنین مشکل نفی حقوق بشر در این ملت‌ها وجود دارد. مشکلات واضح دیگری نیز وجود دارد که در بالا به آنها اشاره شد و تا زمانی که این مشکلات وجود داشته باشند، صلح بسیار دور است. این ملت‌ها باید خود را از شر این مشکلات خلاص کنند، همه شهروندان آنها باید توسعه یکسانی داشته باشند و باید هماهنگی مشترکی داشته باشند تا همه شهروندان به صورت جمعی و متحد در حال پیشرفت باشند. اما، در واقعیت، اینطور نیست.

ضروری است که ملت‌های دارای نظام حکومتی دموکراتیک از مشکلات فوق‌الذکر رهایی داشته باشند، باید بتوانند توسعه برابر همه شهروندان خود را تضمین کنند و شهروندان ذی‌ربط باید در مسیر پیشرفت به شکلی یکپارچه همراه با مشارکت در مسیر پیشرفت حرکت کنند. صلح جهانی. امروزه **گاندیسم** بر اساس این توافق بسیار متناوب است. قابل توجه است. اجازه دهید اهمیت **گاندیسم** را در حین تحلیل مختصر آن درک کنیم.

**گاندی** در زمانی که ظلم و ستم نه تنها آشکارتر و فیزیکی می‌شود، بلکه مودبانه‌تر نیز می‌شود، الهام بخش دیدگاهی جا یگزین از سیاست و مقاومت است. ایدئولوژی خشونت پرهیزی او نقطه خوبی برای شروع است. ممکن است موفق نشود، اما دنیایی از احتمالات را باز می‌کند و ما را تشویق می‌کند که خارج از چارچوب فکر کنیم. زندگی او همچنین نشان می‌دهد که چگونه ایده‌های رادیکال ابتدا کنار گذاشته می‌شوند تا بعداً مورد آزمایش و پذیرش قرار گیرند. **گاندی** به جهانی خسته از جنگ و ویرانی مستمر نشان داد که پایبندی به حقیقت و عدم خشونت تنها برای افراد نیست، بلکه می‌تواند در امور جهانی نیز به کار رود. چشم‌انداز **گاندی** برای کشور و رویاهای او برای جامعه به طور کلی هنوز برای هند خوب است. او جامعه را وادار کرد تا ارزشهای واقعی انسانیت را جذب و منعکس کند و در کارهایی شرکت کند که خیر بزرگتر را ترویج می‌کند. این مسائل هنوز به آنچه هند آزاد است و نماینده آن است مربوط می‌شود. علت اصلی نگرانی امروز عدم تحمل و نفرت است که منجر به خشونت می‌شود و اینجاست که ارزش‌های **گاندی** باید با اشتیاق بیشتری رعایت شود. او نه دیروز یا امروز بلکه برای همیشه مربوط است!

## *Sources*

Chand Hukam, History of modern India, Anmol Publication Pvt. Ltd (2005)

Chand Hukam, History of Modern India, Anmol Publication, 2003.

Nanda B.R, Mahatma Gandhi-A Biography, OXFORD University Press, Calcutta, Chennai, Mumbai.

Jai Narain Sharma, "Indian society of Gandhian studies", Journal of Gandhian studies, Vol. 5, 2007.

Jain, N.K., WTO Concept Challenges and Global development.

Kapur, Devesh (2010): "The Middle Class in India: A Social Formation or Political Actor" in Julian Go

Pati, Biswamoy (2004): "BJP's 'Stumbling Blocks': The Voter, Pluralism and Democracy", Economic & Political Weekly, 39(21).

Rudolph, Lloyd I and Susanne Hoeber Rudolph (1981): "Judicial Review versus Parliamentary Sovereignty: The Struggle over Stateness in India", 19, J Commonwealth and Comparative Politics.

Sitapati, Vinay (2009): "Right to Education Bill Ignoring Disabled, Pass only After Changes: Disability Activists", The Indian Express, 3 August.

Sridharan, E (2008): "The Political Economy of the Middle Classes in Liberalizing India", ISAS Working Paper.

Vanaik, Achin (2002): "Consumerism and New Classes in India" in Sujata Patel, Jasodhara Bagchi and Krishna Raj (ed.), Thinking Social Science in India: Essays in Honor of Alice Thorner (New Delhi).

«2022-10-15» **با تقدیم احترامات**.....